

## موسیقی از نظر دین و دانش

در اجتماع ما بسیاری از رسوائیها و آلودگیها بچشم میخورد که در نتیجه تکرار و جهت عمومی و صورت عادت اجتماعی بخود گرفته است تا بجائی که مردم بیدار و متفکر هم کمتر بزبان آن اندیشیده، براحتی مرتکب آن میشوند .

دیگر در نظر عموم مردم برای آن گونه کارها قباحت و شاعتی دیده نمی شود بلکه گاهی ارتکاب آن از تجدد خواهی و آزادگی و روشنفکری محسوب میگردد .

این وضع ؛ گویندگان دلسوز و نویسندگان خیر خواهر اچنان مأیوس کرده که مجالی برای سخن گفتن در این امور و روشن کردن افکار و توجه دادن مردم را بخطر ات آن باقی نگذاشته است .

وقتی کار با این رسوائی بکشد و آلودگی و انحراف جنبه عمومی پیدا کند اساس اجتماع در معرض خطر قرار میگیرد این است که پیشوای اسلام رسول اکرم (ص) تکرار گناه و کوچک شمردن آن را که رفته رفته موجب عمومیت آن میگردد مهمتر و بدتر از اصل گناه دانسته است . فرموده است : چهار چیز در مورد گناه از اصل گناه شنیعتر و بدتر است : کوچک شمردن گناه ؛ افتخار کردن بگناه ، خوشحال شدن بگناه ، تکرار نمودن گناه (۱)

---

(۱) اربعة فی المذنب شر من الذنب الاستحقار و الافتخار و الاستبشار

والاصرار (مستدرک الوسائل)

یکی از انحرافات مهم و شایع در اجتماع مامستله غنا و موسیقی است که در هر کوجه و بازار و در هر مغازه و هر خانه راه یافته است .

چنان این موضوع رواج پیدا کرده که رادیو از لوازم منزل محسوب شده و حتی جزو جهیزیه دختران در آمده است « یعنی اغلب خریداران صرفاً بعنوان جنبه موسیقی آنرا تهیه مینمایند نه دیگر مطالب آن» .

موسیقی وسیله پذیرائی مهمان ، سرگرمی بچه ؛ بهبود بیماران ، رونق کارگران ، نشاط مسافران ، رفع خستگی روزانه ، جلب مشتری و فروش کالا بحساب آمده ، در محفل انس ، بزم شادی . مجلس غم ، بیمارستان ، اماکن عمومی ، خلوت های شبانه ، کوخ گدا ، کاخ توانگری و در هر نقطه دیگر راه خود را باز کرده است و با وسائل گوناگون این گناه را ترویج میکنند ؛ و از طرفی دیگر روح آلوده و هوس پرست ما آنرا مطابق هوا و هوس خود می بیند کمتر فکر میکنیم که آیا این کار از نظر دین و دانش رواست یا نارواست بی ضرراست یا مضر و خطرناک است ؟

اینک این موضوع را هم از نظر دین و هم از نظر دانش مورد بحث قرار میدهیم تا آنها که میخواهند بیدار شوند و در پیشگاه خداوند سرافکننده نباشند عبرت گیرند . چه بسیار اتفاق میافتد که جوانهای بیخبر ما اگر پی بمفاسد اخلاقی و اجتماعی آن بپردازند و نظر قاطع شرع را بادلیل نقلی و عقلی و علمی آن بدست بیاورند متنبه گشته و راه خود را عوض کنند .

### اتفاق دانشمندان شیعه

دانشمندان شیعه بدون استثناء اتفاق دارند که استعمال آلات لهو (مانندنی ؛ بربط ، ویالن ، پیانو ، گیتار و غیره) حرام است و از صبر اسلام

تاکنون در میان فقهای شیعه در اصل این موضوع اختلافی دیده نمیشود .  
و همچنین غنا و استماع آن از نظر فقهای شیعه حرمتش مسلم و غیر قابل تردید  
است البته این نظریه فقها مانند سایر نظرات آنها مأخوذ از قرآن مجید  
و روایات معتبر اهل بیت است که در دنباله این بحث بیان خواهد گردید .

### قضاوت کتاب و سنت در باره موسیقی

یکی از آیاتی که بمقتضای چند روایت بطور مسلم غنارا شامل است  
آیه ۶ از سوره لقمان است : «ومن الناس من یشتري لهُو الحدیث لیضل عن  
سبیل اللّٰه ویخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین» .

یعنی پاره‌ای از مردم سخن لهُو را می‌خرند تا دیگران را از راه حق  
منحرف کنند و راه خدا را مسخره گیرند برای آنها غذایی اهانت بخش خواهد  
بود از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود غنا از امور است که خداوند وعده  
آتش بر ارتکاب آن داده است سپس آیه فوق را تلاوت فرمود آیات دیگری  
نیز در قرآن است که با کمک روایات بر موضوع مورد بحث دلالت کامل  
دارد و خوانندگان گرامی میتوانند در این زمینه بتفاسیر مراجعه نمایند (۱)  
اما روایات و احادیث در این زمینه بسیار است و ما برای نمونه چند  
حدیث را ذکر مینمائیم ۱- مسعدة بن زیاد میگوید من در محضر مقدس  
امام صادق (ع) بودم مرد دیگری که نیز در آنجا بود گوشه‌ای از حال خود را  
بیان کرد تا نظر امام (ع) را درباره ساز و آواز بدست آورده و تکلیف خود را  
از روی آن روشن کند عرض کرد پدر و مادرم فدایت در همسایگی من

(۱) مانند این آیات فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور

۲- والذین لا یشهدون الزور .

کسانی هستند که کنیزهای آوازخوان و موسیقی‌دان دارند و گاه و بیگاه میخوانند و مینوازند؛ منزل منهم طور است که هنگامی که بقضاء حاجت میروم ساز و آواز آنهارا می‌شنوم گاهی چنان اتفاق می‌افتد که خوشم می‌آید و بیشتر آنجا میمانم تا بیشتر آواز آنهارا بشنوم.

حضرت فرمود: دیگر این کار را تکرار مکن آن مرد عرض کرد بخدا من برای شنیدن آواز آنها نمیروم منتهی وقتی آنجا رفتم از صدای دلنشین آنها هم برخوردار میگردم، حضرت فرمود مگر این آیه را نشنیده‌ای که خداوند میفرماید: «ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا» گوش و چشم و دل هر یک در پیشگاه خدا مسئولند.

مرد عرض کرد بخدا قسم گویا این آیه را از هیچ کس نشنیده‌ام ولی اکنون اطاعت میکنم و دیگر پیرامون آن کار نمیگردم و از خدا میخواهم که نسبت بگذشته مرا ببامرزاد امام فرمود برخیز و غسل کن و آنچه خواستی نماز بگذار تو کار عظیمی را انجام میدادی؛ چه بد حال و بد بخت بودی اگر با این شیوه میمردی خدا را حمد کن و از خدا نسبت بپیر کار ناپسند و ناروا توبه بخواه (۱)

۲- دانشمند بزرگوار شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر خود از پیامبر اکرم علیه الصلوة والسلام نقل کرده است که فرمود خداوند مرا برسالت برانگیخته است تا برای مردم جهان رحمت بوده و آنان را بسوی سعادت راهنما باشم و خداوند مرا فرمان داده است که آلات موسیقی را محو کرده و کارهای جاهلیت را از بن براندازم (۲)

(۱) وسائل چاپ جدید جلد دوم صفحه ۹۵۷

(۲) مستدرک الوسائل جلد دوم صفحه ۴۵۸

۳- یکی از آشنایان امام صادق (ع) که با امام نسبتی داشت در محضر امام (ع) حاضر بود حضرت از حال او جو یا شد عرض کرد فدایت شوم دیروز یکی از آشنایانم مرا دید و دست مرا گرفت و بمنزل خود برد او کنیزی آوازه خوان داشت و ما را بانواختن موسیقی و خواندن آواز سرگرم کرد تا روزی در آنجا بیایان رساندیم امام صادق (ع) بالحنی عتاب آمیز فرمود: وای بر تو . نترسیدی مرگ تو فرارسد و تو مشغول چنین گناهی باشی ؟ ! مجلس غنا مجلسی است که خداوند باهل آن نگاه نمیکند ؛ غنا آلوده ترین چیزهاست ؛ غنا بدترین کارهاست، غنا موجب نفاق است ، غنا باعث فقر و بیچارگی است (۱)

در چند روایت نیز غنا و موسیقی را جزو گناهان کبیره شمرده است که تنها دوروایتش ذکر میشود.

۱- حضرت رضا (ع) فرمود: «استماع الاوتار من الكبائر» گوش دادن بموسیقی از گناهان کبیره است (۲)

۲- امام هشتم (ع) در ضمن نامه ای گناهان کبیره را برای مأمون شماره کرد ، نوشت ایمان عبارت است از اداء امانت و اجتناب از گناهان کبیره سپس در مقام شمردن گناهان بزرگ باینجا میرسد: «والمجاربة لاولیاء الله و الاشتغال بالملاهی و الاصرار علی الذنوب» . یعنی از گناهان کبیره است جنگیدن بادوستان خدا؛ سرگرمی بموسیقی و غنا ؛ اصرار بر گناهان (۳) تا اینجا آنچه از قرآن و حدیث نقل شد همه مربوط باصل حرمت

(۱) مستدرک الوسائل جلد ۲ صفحه ۴۵۸

(۲) مستدرک الوسائل جلد دوم ص ۴۵۷

(۳) وسائل ابواب جهاد نفس باب ۳۴ روایت ۳۴



تحریم شده است برای این است که طبیعت این کار موجب غفلت از حقوق و ریشه بسیاری از گناهان دیگر است .

محدث بزرگوار مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل در ابواب جهاد نفس روایت مفصلی را در موضوع گناهان کبیره نقل کرده که ذیل آن چنین است : «والملاهی اللتی تصدعن ذکر الله» پس از این در همان روایت کلمه ملاهی بغنا و موسیقی تفسیر شده است .

از این روایت کاملاً استفاده میشود که موسیقی مایه و پابیه غفلت از یاد خداست و بهمین جهت نارواست .  
دوم - موسیقی مقدمه انحرافات اخلاقی است .

اگر ما وضع عموم مردم و محافل موسیقی را رویهمرفته در یک قرن مثلاً در نظر بگیریم و موبو تأثیر خوانندگی و وضع مجالس آنرا حساب کنیم باین حقیقت اعتراف خواهیم کرد که نوعاً مقدمه گناه و وسیله انحراف بوده است در غالب جاها زمینه را برای مستی یا لا ابالیگری فراهم کرده و مخصوصاً در محافل مختلط و بویژه در صورتیکه خواننده زن باشد مهیج شهوت و هوس و گناه و احیاناً افتضاحات شرم آوری بوده است .

اگر آماری از ریشه و علت بی بند و باریها برداشته میشد بخوبی معلوم میشد که تا چه اندازه موسیقی در این جهت مؤثر است .

از مضموم (ع) روایت شده که فرمود : **الغناء رقیة الزنا** (۱) یعنی غنا و خوانندگی طلسم بیعتی است .

سوم - موسیقی موجب فقر و بینوائی است .

(۱) مستدرک الوسائل جلد ۲ ص ۴۵۷ نقل از جامع الاخبار

امام صادق (ع) فرمود : **الغناء یورث الفقر** (۱) یعنی غنا موجب فقر و فلاکت است باز روایت شده که حضرت فرمود : **الغناء یورث النفاق** و **یعقب الفقر** (۲) یعنی غنا باعث نفاق است غنا بهر جا برود فقرا هم بدنبال می برد .

ما بجای دوری نمی رویم در همین مملکت خودمان حساب می کنیم در همین مملکت که نیمی از مردم بیچاره و گرسنه اند بیندچه پولها و چه هزینه های سنگینی خرج موسیقی و ترویج و نشر آن میشود آیا این مخارج سنگین بفقرا اجتماعی این ملت کمک نمی کند ؟ آیا این پولها که خرج خواننده های هنرمند ! و برپا کردن مجالس موسیقی و یا صرف خرید آلات موسیقی و نحو آن میشود باقتصاد مملکت لطمه نمی زند ؟ آیا این مجالس تفریح و طرب که در هر گوشه و کنار بنامهای گوناگون برگزار میشود چه وقتها و سرمایه هائی تلف میشود ؟ حداقل هر کدام از این مجامع دهها هزار تومان خرج بر میدارد آیا این ولخرجیهای بیهوده بآتش فقر عمومی دامن نمیزند .

گذشته از فقر اجتماعی ، بسیاری از وقتها عادت بموسیقی ، فقر فردی را هم بارمغان می آورد یک فرد کاسب که عادت بموسیقی کرده است و اوقات عزیزش را در پای موسیقی بیهوده میگذراند بتدریج تنبلی و کاهلی و سستی در او ایجاد گشته و نیروی بدنی و فکری و وقت عزیز او کمتر صرف کار میشود در نتیجه از درآمد او کاسته گرفتار فقر و بدبختی میشود ، گرچه ممکن است

(۱) مستدرک الوسائل ج ۲ صفحه ۴۵۷

(۲) وسائل چاپ جدید جلد ۱۲ صفحه ۲۳۰

(۳) استماع اللهو و الغناء ینبت النفاق کما ینبت الماء الزرع ( وسائل

جلد ۱۲ صفحه ۳۳)



خودش این بدبختی را حس نکند و نفهمد از کجا چوب خورده است .  
 چهارم - موسیقی باعث نفاق و سستی ایمان است . این جهت در  
 اخبار دینی فراوان دیده میشود متجاوز از ده روایت این نتیجه شوم را  
 گوشزد می نمایند امام صادق (ع) فرمود **الغناء عش النفاق** (۱) غنا  
 آشیانه نفاق است باز فرمود گوش دادن بسازو آواز نفاق رامیرویانند و رشد  
 می دهد همانطور که آب گیاه را می رویند (۲)

باز فرمود خرید و فروش آلات غنا حلال نیست و گوش دادن غنا  
 نفاق است و آموختن آن کفر است . (۳)

اینجا باید این مطلب اندکی تحلیل شود که چگونه موسیقی موجب  
 نفاق است .

اساساً گناهان برد و قسم هستند بعضی از گناهان لذت و نشئه ای دارد  
 که طبیعتاً آدم لا ابالی را بدنبال خود می کشد و در نتیجه آنقدر تکرار  
 میشود که صورت عادت بخود می گیرد و بخاطر نشئه ای که دارد مرتکب  
 آن بتدریج آن معصیت را می افزاید ولی برخی از گناهان اینطور نیستند .  
 مثلاً میخوارگی و همچنین موسیقی از قبیل گناهان دسته اول هستند .  
 کم کم در نتیجه تکرار آنها آدم برای همیشه گرفتار میشود و روز بروز بر  
 گرفتاری خود زیاد میکند در نتیجه تکرار گناه روح ایمان در آدمی  
 ضعیف شده و جنبه لا ابالیگری تقویت میشود تا بجائی که صدگونه شك

(۱) وسائل جلد ۱۲ صفحه ۲۲۷

(۲) استماع اللهو و الفناء و نبت النفاق كما ينبت الماء الزرع (وسائل جلد ۱۲ صفحه ۲۴۶)

(۳) لا يحل بيع الفناء ولا شرائه، واستماعه نفاق وتعلمه كفر (مستدرک - الوسائل  
 جلد ۲ صفحه ۴۳۱) .

و تردید وارد قلب آدمی شده و بالاخره منجر بنفاق میگردد ، در تحلیل این مطلب و توجیه روایات فوق احتمالات دیگری بنظر میرسد که از بیان آن خودداری میگردد .

### امر بالای موسیقی عهومی و اجتماعی شود .

هنگامی که این بلاعمومی شود و اجتماعی بآن آلوده گردد اولین زیانی که بآن اجتماع میزند این است که آن اجتماع از کاروان ترقی و تکامل عقب خواهد افتاد و از رشد در صنعت و فرهنگ و اقتصاد و اکتشاف محروم خواهد ماند بلکه نه تنها از پیشرفت محروم گشته سعادت‌های موجود را هم از دست میدهد و بقهقری بر میگردد ، وقتی يك ملت عادت بموسیقی و اتلاف وقت کرد و نیروی دماغی و فکری خود را در این راه تلف نمود دیگر مجالی برای پیشرفت علمی و ترقی فکری برای او باقی نخواهد ماند . موسیقی وقتی اجتماعی شود مقدار زیادی از قوای عقلی و فعالیت‌های جسمی ملت را که باید صرف توسعه امور علمی و اقتصادی گردد میگیرد و ملتی تن-پرور و عیاش و بی بند و بار میسازد . يك چنین اجتماعی میتواند در عالم اکتشاف قدم بردارد و در شئون حساس و واقعی اجتماعی خیلی ضعیف است امام چهارم حضرت علی بن الحسین (ع) میفرماید : « لا یقدس الله امة فیها بربط یقعق و نایة (فایة) یفجع » (۱) یعنی خداوند آن ملت را مقدس نمیکند که در او بربط (۲) بآواز درآید و نی بنالد .

چنین اجتماع بی بند و بار در معرض عذاب الهی و سقوط همیشگی است . پیامبر اسلام فرمود در میان امت من دو بلا ظاهر گردد یکی بز زمین

(۱) وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۲۳۳

(۲) بربط نام آلتی از آلات موسیقی است .

فرو رفتن مردم (شاید منظور زلزله‌های سخت باشد) «دیگری قذف و انداخته شدن سنگ و نحوه (شاید منظور باریدن سنگ از آسمان و افتادن سنگهای آسمانی باشد که مردم بآن عذاب شوند) .

از حضرت پرسیدند این دو عذاب و بلاکی در میان ملت اسلام ظاهر خواهد شد؟ فرمود وقتی که در بین آنها زنده‌های خواننده پیدا شوند و مسائل موسیقی آشکار در بین مردم رواج گیرد و اقسام خمرها خورده شود (۱) اینها نتایج تلخ موسیقی است که از احادیث استفاده کردیم و تجربه صحیح و وجدان بیدار هم کاملاً بر صحت آن گواهی میدهد و جامعه‌شناسی و علم اقتصاد هم این مفاسد را امضا و تأیید می‌کند و از گنجهای مخفی که در روایات نهفته شده است پرده بر میدارد .

### ضررهای موسیقی از نظر علم روز و دانشمندان خارجی

خوشبختانه دانش روز و دانشمندان روشنفکر نیز مضرات موسیقی را بیان کرده‌اند که خلاصه‌ای از آن را ذیلاً بنظر خوانندگان بیدار میرسانیم (۲)

### عامل ضعف اعصاب و خفقان قلبی

انواع موسیقی و بخصوص آهنگهای حساس آن تحریکاتی در اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک بوجود آورده و تأثیراتی در روی این دو رشته عصب بجا میگذارد در نتیجه تعادل این اعصاب بهم خورده ضعف اعصاب پدید میآید؛ ضعف اعصاب هم بنوبه خود امراض دیگری را از قبیل اختلال حواس، پریشانی، جنون، ثقل سامعه، نایبائی، سل و غیره بوجود

(۱) وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۲۳۱ نقل از ارشاد .

(۲) تلخیص و توضیحی است از قسمتهایی از کتاب موسیقی و اسلام و

کتاب دکتر وپیر .

میآورد ، ضعف اعصاب ریشه بیماریهای جسمی و روانی است و این ریشه مرض را شنیدن زیاد موسیقی بارمغان میآورد بعلاوه موسیقی بواسطه ایجاد هیجانات روحی و وضع تأثیراتی در مغز احیاناً بحمله قلبی و خفقان منجر شده باعث سکنه و مرگ ناگهانی میگردد اگر این مطالب را باور ندارید به گفتار دکتر ولف آدلر گوش بدهید ، آدلر پروفیسور دانشگاه «کلمبیا» میگوید موسیقی یکی از عوامل مهم ضعف اعصاب است . آدلر ثابت کرد که دلکش ترین نواهای موسیقی شومترین آثار را روی سلسله اعصاب بجا میگذارد و مخصوصاً در فصل گرما و در مناطق گرمسیر اثر موسیقی بر اعصاب بیشتر است . دکتر آدلر زیانهای بسیار دیگری نیز برای موسیقی یافته و در رساله مبسوطی آن را شرح داده است .

کشفیات دکتر نامبرده چنان در امریکا تأثیر کرد که هزاران هزار نفر را پیرو خود کرد بطوریکه موسیقی را بر خود حرام نمودند و حتی لایحه مفصلی در این زمینه تهیه کرده بمجلس سنای امریکا تقدیم داشتند و از مجلس درخواست نمودند که از هر گونه کنسرت عمومی جلوگیری نماید . اگر بازم باور ندارید بصورت زیر نگاه کنید و ببینید که استادان مشهوری از موسیقی دانان جهان آخر کارشان بکجا کشیده شده است ، چگونه گرفتار امراض روحی و یا دچار سکنه شده اند .

بتهون در ۳۲ سالگی بکلی کر شد و از ضعف اعصاب بالاخره

دیوانه شد .

**باخ موسیقیدان اطریشی** باختلال حواس و کوری گرفتار شد .

**موزارت** و شوپن دوتن از موسیقی دانان نامی دچار ضعف قوا و سل

شدند، شومان و دوراک ضعف اعصاب شدید گرفته و سرانجام دیوانه شدند.  
شوبرت، واگنر، مندلسن و دوکونسی این چارتن باختلالات عصبی و  
پریشانی فکری و کشمکشهای روحی مبتلا شدند.

فردریک هندل موسیقی دان آلمانی.

ماریا آلتنا خواننده ایتالیائی.

موریس راول نوازنده فرانسوی.

این سه تن مبتلا بنایینائی شدند:

بوکرینی و برخی دیگر دچار پریشانفکری شدند.

ماریو لانزا، تایرون پاور اوکاسیلو پیش از فرا رسیدن  
پیری بحمله قلبی درگذشتند ماریاما لیبران، نائی خواهر مندلسن؛  
ماسیم شاپیرو، تفکری، این چند نفر که از خواننده ها و هنرپیشه های  
مشهورند همه در سن جوانی هنگام اشتغال بخواندن و یا اجراء برنامه  
دچار سکنه قلبی شدند.

### موسیقی عامل رکود فکر و تنبلی و بی ارادگی

موسیقی در نتیجه کرخ کردن اعصاب فکر راکد و متوقف میسازد و  
چون طبیعتاً بتدریج علاقمندان بموسیقی با این کار عادت می کنند اغلب  
برای همیشه از ترقیات فکری محروم میگردند.

روی همین اصل، دانشجویانی که بیشتر با موسیقی سروکار دارند

اغلب در ریاضیات و کارهای فکری عقب افتاده و ضعیف هستند.

گذشته از رکود فکری موسیقی یکنوع تخدیری در انسان بوجود

آورده رفته رفته انسان را در کارهاست و تنبل و بی اراده و لالابالی می کند

تا بجائی که گاهی کارهای ضروری از انسان فوت میشود و بازی پروا در برابر موسیقی می نشیند و گوش میدهد و سرمایه جوانی و عمر و نیروی کار و فعالیت و ابتکار خود را در پای موسیقی برایگان از دست میدهد .

**آلکسیس کارل** دانشمند معروف در کتاب « راه ورسم زندگی »

چنین می نویسد : باید گفت رادیو نیز مانند سینما و موسیقی کاهلی کاملی بکسانی که با آن سروکار دارند می بخشد .

در جای دیگر میگوید : رادیو و سینما و ورزشهای نامناسب روحیه فرزندان را فلاح می کند .

تجربه و مشاهده نیز ثابت کرده است که اشخاصی که زیاد سرگرم به موسیقی هستند اغلب افرادی بی اراده و مسامحه کار و لاابالی بوده و در مقام فکر و اندیشه را کد و ضعیفند همین نتیجه شوم موسیقی کافی است که ملتی را بدبخت کند . این اثر شوم . از نظر اقتصاد و صنعت و فرهنگ خیلی اهمیت دارد .

ملتی که از طرفی رکود فکری دارد و از طرف دیگر مسامحه کار و لاابالی است برای همیشه عقب خواهد ماند و پیشرفت علمی و ترقی صنعتی و اکتشاف و اختراع و داشتن اقتصاد کامل ، کمتر نائل خواهد شد .

**بیهت و ایجاد توجه غیر طبیعی نیز از آثار موسیقی است**

کسیکه عادت باستماع موسیقی دارد در آنحال حتی توجه به - ضروریاتی که در شرف قوت است کمتر دارد زیرا توجه و اندیشه اش تمام در گوش او تمرکز یافته و برای شنیدن موسیقی سراپا گوش شده است علت برخی از تصادفات در سانسدهای اتومبیل بیشک همان غرق شدن در موسیقی

و مجذوب شدن در برابر نغمه‌های دل‌انگیز است .

بسیاری از اوقات دیده میشود که در حال استماع موسیقی توجهی غیرطبیعی در انسان ایجاد میشود چه بسا اشخاص سنگین و آزاده و دانشمند که در برابر موسیقی بدون التفات بشیوه زیر و بم موسیقی خود را تکان میدهند شانه را بالا می‌برند دست خود را حرکت می‌دهند و سر خود را می‌جنبانند ، شاید در همان حال مضحکه دیگران باشند ولی متوجه نیستند .

### بالاخره موسیقی وسیله انحطاط اخلاق و غافل از ذکر خدا گشتن است

ما اگر روی هم رفته مجالس موسیقی را هم از فردی و اجتماعی حساب کنیم و گناهان و آلودگیها و باده‌گساریها که در این مجالس میشود آنرا نیز بحساب بیاوریم آنوقت می‌فهمیم که موسیقی چه سهم بزرگی در وقوع فحشا و منکرات دارد و می‌فهمیم که چگونه موسیقی با نغمه‌های ملایم و دلربای خود لطمات دلخراش و وحشیانه‌ای باخلاق و دین و فضیلت می‌زند شاید يك محفل موسیقی و طرب را بنینیم که قطع نظر از گناه موسیقی خالی از گناه و معصیت دیگر باشد .

بالاخره نغمات موسیقی اجتماع را بفساد و شهوت و انحراف و لا- ابالیگری می‌کشاند و بخصوص در روح اطفال آثار عمیقتر و شومتری میگذارد .

چقدر عشقبازیهای شیطانی که در سایه نوای موسیقی جان گرفته و برسوائی و بیعفتی و گناه منجر شده است بخصوص که ترانه‌های غنائی نوعاً آمیخته با مضامین عشقی و مطالبی هوس‌انگیز و گناه پرور است .

از اینجا میتوانیم بی به تأثیر عمیق موسیقی در بیدینی ببریم که

شوروی دشمن سرسخت دین در نشریه «ایزوستیا» که ارگان دولت شورویست پس از راهنماییهای چند بمبلغین ضد دینی خود می نویسد : اگر در سراسر کشور وسائل تفریح از قبیل موسیقی ، تئاتر ؛ سینما و نحوه بقدر کافی در اختیار مردم گذاشته شود مردم فرصت پیدا نخواهند کرد که طعمه افکار خدا پرستی و دینداری شوند .

مؤلف : سید محمد باقر مدرس فیضیه قم

### هشیاری بیمورد نابخردان

این دون فطرتان که می بینی ، همچون سگان مردار-  
 خوار بهم افتند ، توانا تا توان را نابود سازد و توانگرا از تهیدست  
 لقمه بر باید ؛ نعمت های خدا را در یکجا انبوه کنند و صد  
 جای دیگر را تهی گذارند ، خردمند و دوراندیش نیستند ؛  
 چشمان گشاده دارند ، ولی بینا نیست . گوشهای تیزشان حق  
 نمیشنود و ندای وجدان ادراک نمیکند ، یکباره این ابرهای  
 متراکم از افق مغز و فکرشان برکنار شود که آن هنگام مرگ  
 و موقع بدرود است .

((علی (ع))